

بررسی و ارزیابی عوامل مؤثر بر هویت دینی

جوانان در شیراز

دکتر محمدتقی ایمان‌پور* - مریم سروش**

چکیده

هویت یکی از مفاهیم پیچیده در جامعه‌شناسی است و مطالعاتی که در مورد آن انجام می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارند. در این مقاله به بررسی هویت مذهبی جوانان در شیراز و تعیین مهمترین عوامل مؤثر بر آن، پرداخته شده است. نتایج این تحقیق از یک نمونه ۴۰۰ نفری که به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای از جامعه آماری ۲۵۲۳۵۰ نفری انتخاب شده‌اند، نشان می‌دهد که جنسیت، میزان مذهبی بودن والدین و دوستان و میزان دنیاگرایی بیشترین تأثیر را بر هویت مذهبی جوانان داشته است. تحلیل چندمتغیره نشان می‌دهد که از میان این متغیرها، میزان مذهبی بودن دوستان بیشترین تأثیر را بر هویت مذهبی جوانان داشته (بتا=۰/۴۵۴) و پس از آن میزان دنیاگرایی مهمترین متغیر ظاهر شده است (بتا= -۰/۲۲۰). نتایج آماره تحلیل مسیر نشان می‌دهد که متغیرهای مهمی مانند تحصیلات و میزان رضایتمندی سیاسی و جهانی شدن، به صورت غیر مستقیم بر هویت مذهبی اثر داشته‌اند، به این صورت که تأثیر میزان رضایتمندی سیاسی و

*- دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

** - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

جهانی شدن بیشتر از طریق میزان دنیا‌گرایی بر هویت مذهبی اعمال شده است ($R^2 = ۰/۵۴۷$). نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که منابع تفسیر کنش در دنیای مدرن متکثر شده‌اند و دین به‌عنوان یک منبع مهم تفسیری با آنها به رقابت پرداخته است.

واژه‌های کلیدی

هویت، دین، جوانان، دنیا‌گرایی، منابع تفسیری.

مقدمه

بحران هویت به یکی از موضوعات اساسی در کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است و لزوم پرداختن به آن هر روز آشکارتر می‌شود. گسترش وسایل ارتباطی باعث می‌شود که فرهنگ‌های گوناگون با یکدیگر آشنا شوند. این رویارویی با «غیر» باعث سؤال از هویت و مشخص کردن حدود آن می‌شود. در جهان متکثر امروز که وسایل ارتباطی زمان و مکان را در پیرانتز قرار داده‌اند و هیچ کس نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن ارزشها و اصول جهانی در دنیا زندگی کند، روشن کردن ابعاد هویتی و تشخیص مرزهای آن به یک ضرورت حیاتی برای بقای فرهنگی تبدیل شده است.

«هویت به معنای چیستی و کیستی است و از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن به چیزی یا جایی به وجود می‌آید... برآورده شدن این نیاز سبب خودآگاهی فردی در انسان می‌شود و ارضای آن در میان یک گروه انسانی خودآگاهی جمعی یا هویت قومی، تیره‌ای یا ملی آن گروه را تعیین می‌کند... شماری از اندیشمندان سنتی در علوم سیاسی، علوم اجتماعی و جغرافیا عنصر ویژه‌ای از مؤلفه‌های هویت را اصل دانسته‌اند، در حالی که در جغرافیا سرزمین مشترک یا تاریخ مشترک در این زمینه اصل شناخته می‌شود و علوم سیاسی تکیه را بر ساختار سیاسی مشترک، ملیت و ملت یا جامعه مدنی بومی می‌گذارد، علوم اجتماعی زبان مشترک، دین مشترک یا آداب و سنن مشترک را عنصر اصلی می‌شمارد. بی‌گمان هویت پدیده‌ای است ناشی از آمیختگی همه این عناصر در کنار دیگر عناصر فرهنگی همانند هنرها و آیینهای مشترک» (۱۴/ص ۶۰).

برای روشن شدن مفهوم هویت دینی همان‌گونه که از هویت تعاریفی ارائه شد، باید تعریف دین نیز از لحاظ تئوریک روشن شود. تعاریف گوناگونی از دین ارائه شده است که آشکارا با یکدیگر ناسازگارند. به همین دلیل بعضی از جامعه‌شناسان استدلال کرده‌اند که باید در پایان بررسیها در مورد دین به تعریف آن اقدام کنیم و در ابتدا نمی‌توان چیزی از آن بیان کرد (28).

دین پدیده‌های بسیار وسیعی را در بر می‌گیرد به طوری که نادل اظهار می‌دارد هرچقدر که پهنه امور مذهبی را مشخص کنیم، باز هم همیشه حوزه‌ای بینابینی باقی می‌ماند و به دشواری می‌توان تعیین کرد که مرز جدا کننده دین و غیر دین در کجا واقع شده است. بنابراین او پیشنهاد می‌کند که هر چیزی را که بار مذهبی دارد باید توصیف کنیم، چندان که اطمینان یابیم که چیزی از قلم نیفتاده است و بعد یادآور می‌شود که باید برداشت مؤمنان را نسبت به معنای دین احساس کنیم (۱۶). این پژوهش به منظور تعریف هویت دینی از دیدگاه گیدنز استفاده نموده است. از نظر گیدنز هویت دینی در فرد در واقع عبارت است از میزان نقشی که فرد در بازتولید نهاد دین در جامعه ایفا می‌کند و میزان اهمیتی که فرد در شیوه زندگی انتخابی خود، به انگاره‌های تعاملی دینی می‌دهد (۱۳).

مسئله دیگری که تحقیق در این موضوع را پر اهمیت می‌سازد، شرایط فرهنگی و معرفتی کنونی جامعه است. با انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۵۷، بر هویت مذهبی تأکید زیادی شد و رهبری جامعه را عملاً روحانیان در دست گرفتند. اینک پس از ۲۲ سال تجربه همدوشی هویت مذهبی و سیاسی در ایران، به نظر می‌رسد که باید با ژرف‌نگری بیشتری، به این مطلب پرداخت.

جوانی بر اساس دیدگاههای متفاوت تعاریف متعددی دارد معمولترین تعریف جوانی بر اساس سن است. جوانی به‌عنوان یک مرحله متمایز با بقیه دوره‌ها در چرخه زندگی در نظر گرفته می‌شود. زندگی را می‌توان مانند یک پیوستار دید که دارای دوره‌ها، واحدها و یا مراحل است که بر پایه تفاوتها و شباهتها تعریف شده‌اند. اولین تقسیم‌بندی این پیوستار تقسیم‌بندی سنی است که به هر یک از بخشهای آن جایگاه فرهنگی اجتماعی جداگانه‌ای می‌توان داد (2-1/P.18). امروزه اکثر صاحب‌نظران معتقدند که محدوده سنی به هیچ روی نمی‌تواند ابعاد جوانی را مشخص کند. شاخص‌های

اجتماعی جوانی تحت تأثیر ساختار کلان اجتماعی و شرایط فردی هستند که به‌طور قطع نمی‌توان سن خاصی را برای جوانی مشخص کرد و از طرف دیگر جوانان یک گروه همگن نیستند و از قشرهای مختلفی تشکیل شده‌اند که رفتارها و خصوصیات متفاوت دارند و به هیچ روی نمی‌توان آنها را یکسان پنداشت (22).

در تحقیق حاضر با در نظر گرفتن خصوصیات جوانی، متغیرهای مورد نظر در تحقیق و چارچوب نظری انتخاب شده برای مشخص کردن جامعه آماری تحقیق از تعریف اریکسون برای جوانی استفاده شده است. بدیهی است که انتخاب محدوده سنی ۱۹-۳۵ سال جمع خصوصیات را پوشش نمی‌دهد ولی محدوده‌ای را مشخص می‌کند که بهتر از همه با چارچوب نظری تحقیق همخوانی داشته و جامعه آماری را معین می‌کند و انتخاب آن از لحاظ روش‌شناختی اجتناب‌ناپذیر است.

مبانی نظری هویت دینی

مسئله هویت را می‌توان از دو منظر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بررسی کرد. به‌طور عمده اولین کسانی که به مسئله هویت پرداخته‌اند، روان‌شناسان بوده‌اند. برای تبیین مراحل رشد ذهنی در ابتدای زندگی و شکل‌گیری مفهوم «خود» برخی از روان‌شناسان از هویت صحبت کرده‌اند. از طرف دیگر به دلیل شرایط اجتماعی و گذار جوامع اروپایی از یک دوره ما قبل صنعتی به عصر صنعتی و بروز مشکلات عدیده جامعه‌شناختی در این جوامع، جامعه‌شناسان نیز هویت فردی و اجتماعی را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

نظریه‌ها

در این قسمت ابتدا به هویت از منظر روان‌شناختی پرداخته و نظریات یونگ و اریکسون را مطرح می‌کنیم و در قسمت دوم نظریات جامعه‌شناسانی مانند دورکیم، پارسونز، استرایکر و گیدنز را بررسی خواهیم کرد. یونگ در کنار ناخودآگاه فردی معتقد به حضور ناخودآگاه عمیق‌تری در وجود انسانی به نام ناخودآگاه جمعی^۱ است که تجارب کلی گروهی تمام افراد انسانی را در

خود نهفته دارد و الگوها، مضامین و نمادهای مشترکی که در انسان به صورت عام وجود دارد، از آنجا سرچشمه می‌گیرد. این اعیان ثابت یا آرکتایپ‌های موجود در ناخودآگاه جمعی است که می‌تواند وجود مشترکات فرهنگی را در میان تمام جوامع بشری توضیح دهد. مثلاً افسانه‌ها و اسطوره‌های مشابهی در تمام فرهنگ‌ها یافت می‌شود. نمادهای مشخصی در تمام دنیا به صورت‌های گوناگون تکرار شده است. یونگ این تشابهات را به دلیل وجود ناخودآگاه جمعی می‌داند (24).

از نظر یونگ هر چه شباهت‌های تجربه‌ی افراد در زندگی بیشتر باشد، ناخودآگاه جمعی افراد مشترکات بیشتری دارد و هویت‌های مشابه‌تری را رقم می‌زند. مثلاً افراد یک خانواده مشترکات بیشتری نسبت به افراد هم‌قوم خود و افراد یک قوم اشتراکات بیشتری نسبت به افراد یک ملت و افراد یک ملت نسبت به انسانهای دیگر و بالاخره مجموعه‌ای خصوصیات مشترک بین انسانها وجود دارد. در واقع می‌توان گفت یونگ معتقد به نوعی هویت انسانی، ملی، قومی و خانوادگی به صورت روان‌شناختی است.

یکی دیگر از روان‌شناسانی که در مورد هویت نظریات مهمی دارد اریکسون است. او در هشت مرحله‌ی رشد انسانی با توجه به شرایط مردم‌شناسی فرهنگی، تغییراتی در نظریه‌ی رشد جنسی- روانی فروید داده است. «کیستی‌شناسی» یا «شناسایی هویت خویش» هسته‌ی مرکزی نظریات رشد شخصیت در دیدگاه اریکسون می‌باشد. این شناسایی در فرهنگ‌های مختلف، به‌طور متفاوت سامان می‌گیرد لیکن عنصری که در تکمیل این شناسایی و استقرار خودآگاهی در تمام فرهنگ‌های بشری مشترک است و پایداری و سلامت آن را تضمین می‌کند، تشخیص پیوسته و پذیرفتن مرتب پیروزیها و کوششهایی است که کودک در راه به‌دست آوردن معرفت به هویت خویش، آنها را به‌دست می‌آورد (15).

اندیشمندان مختلفی از منظر جامعه‌شناسی مسأله‌ی هویت را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. جامعه‌شناسان نظم‌گرا در آثار خود به مفهوم هویت جمعی پرداخته‌اند. جامعه‌شناسی تفسیری هویت را در قالب نظام معانی تسهیم شده و در نهایت جامعه‌شناسی تضاد در قالب آگاهی کاذب و راستین و مفهوم از خودبیگانگی می‌بینند.

دورکیم معتقد است که انسان یک خصلت دوگانه و به عبارت دیگر دو بعد فردی و اجتماعی دارد. بخش اجتماعی از طریق جامعه‌پذیری توسعه می‌یابد و در طول زندگی از طریق تعامل با دیگران و مشارکت در فعالیتهایی با سوگیری جمعی تثبیت می‌شود. قسمت فردی مادرزادی است و می‌توان آن را عامل زیست‌شناختی در نظر گرفت. همان طور که این دو قسمت دارای خاستگاههای متفاوتی هستند، دارای سوگیری متفاوتی نیز هستند. قسمت اجتماعی دیگرخواه است و برای دستیابی به اهداف جمعی و تبعیت از قواعد اجتماعی تهییج می‌شود. قسمت فردی خودمحور است و با امیال خودخواهانه فرد مشغول است (115-114/P.17). قسمت فردی وجود آدمی را می‌توان هویت فردی و قسمت اجتماعی آن را هویت اجتماعی در نظر گرفت. از نظر دورکیم با تغییر نظم اجتماعی، هویت اجتماعی نیز تغییر می‌کند.

از نظر دورکیم دین در ابتدا در میان جوامع اولیه، وقتی که افراد به جمع بزرگتری پیوستند به وجود آمده است. در این موقع مردم به درک یک نیرو که به نظر می‌رسد مافوق آنها باشد می‌رسند و تمایز میان امور مقدس و غیر مقدس حاصل می‌شود. در واقع در جوامع ابتدایی هویت اجتماعی افراد همان هویت مذهبی آنان است که آنها را تشویق می‌کند سود جمعی را در رفتارشان در نظر بگیرند. «محتوای نمادها و مناسک مذهبی حتی موجودیت مادی جامعه را تنظیم می‌کند» (21/P.321).

در جوامع با همبستگی ارگانیکی محتوای وجدان جمعی، این دنیایی و فردگرا است و بازنامه‌های جمعی مشروع، بر پایه سازمانهای کلی جامعه قرار ندارند و تعداد بیشماری از اخلاقیات و قوانین حرفه‌ای مختلف ظهور می‌کند (۳/ص ۴۳۷).

«پارسونز یکی از مهمترین جامعه‌شناسان نظم‌گرای معاصر است و از دیدگاه کلان به جامعه می‌نگرد. او به نظام شخصیتی و هویت فردی و اجتماعی افراد و همچنین دین و ارزشهای اخلاقی و نقش آنها در رهبری کنشهای فردی و جمعی توجه اساسی دارد. از نظر پارسونز هر فرد در نظام شخصیتی خود که قسمتی از نظام کلی کنش است، هویتی منحصر به فرد و یکتا دارد اما این نظام شخصیتی در ارتباط متقابل با سایر بخشهای نظام کنش عمل می‌کند. بنابراین ارزشهای اجتماعی از طریق فرایند اجتماعی شدن ملکه ذهن شده و به صورت بخشی از وجود کنشگران درمی‌آیند، به طوری که آنها

در ضمن دنبال کردن منافشان به مصالح کلی نظام اجتماعی خدمت می‌کنند. گر چه پارسونز هویت اجتماعی را مسلط بر هویت فردی در نظر می‌گیرد، اما در عین حال می‌کوشد نشان دهد که هر کنشگر اجتماعی در قالب نظام شخصیتی هویت منحصر به فردی دارد (۴).

از نظر پارسونز هویت فردی در نظام اجتماعی تحت تأثیر هویت اجتماعی افراد برای برقراری نظم اجتماعی عمل می‌کند. پارسونز «برای فرهنگ و به طریق اولی برای دین شأن سیطرهٔ سبیرنتیک قایل بود. دین از جایگاه رفیعی که در نظام کنش داشت، می‌توانست ارزشها را بیافریند، هنجارها را شکل دهد، نقشهای اجتماعی را در میان بگذارد و برای نظامهای شخصیت، جامعه و رفتار، رهنمودهای کلی ارائه دهد» (۷/ ص ۳۲۸).

هر چه پیچیدگی نظام اجتماعی بیشتر شود، همزمان با تفکیک کارکردی دین ارزشهای کلی تری را نهادینه کرده و نظم جدیدی را به زندگی مدرن اعطا می‌کند. به عبارت دیگر وقتی که «سخت‌افزار» از لحاظ کارکردی تفکیک می‌شود تا بتواند به صورت عظیم تر و پیچیده تر، ظرفیت کارکردی بیشتری به دست آورد، «نرم‌افزار» باید کلی تر شود تا تعادل سبیرنتیک کل نظام را حفظ کند» (23).

بنابراین پارسونز در جوامع مدرن دین را مهجور و عقب‌رانده شده در نظر نمی‌گیرد. بلکه معتقد است به دلیل کلی شدن ارزشها، مفاهیم مقدس به تمام جامعه سرایت می‌کند (۱۱).

با توجه به این دیدگاه می‌توان گفت که از نظر پارسونز دین از طریق جامعه‌پذیری در قالب ارزشهای اجتماعی در نظام شخصیتی و هویت اجتماعی وارد شده و در آن نهادینه می‌شود. در جوامع مدرن هویت فردی غیر دینی است زیرا به دلیل تفکیک‌های کارکردی، حوزهٔ دینی از جنبه‌های اقتصادی اجتماعی زندگی افراد جدا می‌شود اما در هویت اجتماعی افراد هنوز هم حضور خواهد داشت، چرا که در نظر او فرهنگ و دین برای برقراری نظم اجتماعی اهمیت بسزایی دارند و می‌توانند کنشهای اجتماعی را رهبری کنند.

استرایکر یکی از نظریه‌پردازانی است که نظریاتی دربارهٔ هویت ارائه کرده است. از نظر او هر نقش در اجتماع هویتی مخصوص به خود دارد. وقتی افراد در زندگی اجتماعی خود نقشهای گوناگونی می‌پذیرند، هویت‌های الصاق شده به آنها نیز درونی

می‌شوند. هویتها قسمت‌هایی از «خود» هستند. خود در ارتباط با ساختارکلان اجتماعی و ماهیت آن (باز یا بسته، صلب یا انعطاف‌پذیر بودن ساخت اجتماعی) و موقعیت خود در این ساختارها و نقش‌هایی که در ارتباط با این موقعیت‌ها بازی می‌کند، طرح‌هایی را ایجاد می‌کند. هویتها این طرح‌های ساخته شده به دست خود را درونی می‌کنند. نمادها، معانی و موقعیت‌های اجتماعی را خود مردم تعریف می‌کنند اما این تعاریف رفتار فرد را به‌طور کامل تعیین نمی‌کند زیرا بسته به درجه باز بودن یا انعطاف‌پذیر بودن ساختار کلان، فرد می‌تواند فرم و محتوای تعامل اجتماعی را تغییر دهد و هویتها، اتصالی انتقادی بین فرد و این ساختار کلان ایجاد می‌کنند (27).

بنابراین می‌توان گفت که افراد وقتی در موقعیتهای مذهبی قرار بگیرند، هویتهای مذهبی خواهند داشت. از آنجایی که از دید استرایکر، هویتها اتصال فرد را با ساختار اجتماعی فراهم می‌کنند، می‌توان اهمیت هویت مذهبی را در سلسله مراتب هویتی افراد با توجه به ساختار اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند حدس زد. هر چه ساختار اجتماعی به نقشهای مذهبی اهمیت بیشتری دهد، تعداد این نقشها و حمایت‌های اجتماعی که برای آنها فراهم می‌شود، بیشتر خواهد بود و در نتیجه هویتهای مذهبی در سلسله‌مراتب هویتی درجات بالاتری را به خود اختصاص خواهد داد و افراد مایل به پذیرفتن نقشهای مذهبی بیشتری هستند. اما اگر ساختار اجتماعی غیر دینی یا ضد دینی باشد، هویتها و نقش‌های اجتماعی بسیار محدودتر و کم اهمیت‌تر ظاهر خواهند شد.

تغییر در این سلسله‌مراتب هویتی با توجه به ماهیت ساختار اجتماعی و مقدار حمایتی که افراد برای این نقشها در تعاملات اجتماعی به‌دست می‌آورند به‌وجود می‌آید. اگر هویت مذهبی، حمایت نقش کافی که به این هویت در تعاملات اجتماعی مشروعیت می‌بخشد، به‌دست آورد، اهمیت آن در سلسله‌مراتب هویتی بیشتر خواهد شد و برعکس.

تحقیقاتی که در زمینه هویت انجام شده است به دلیل چندبعدی بودن مفهوم هویت، علاوه بر داشتن چارچوب‌های نظری متفاوت، ساختهای گوناگونی از هویت را مطرح نظر قرار داده‌اند.

الف - تحقیقات داخلی

عبداللهی در مقاله‌ای تحت عنوان *هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران* نخست مفهوم هویت جمعی را مشخص کرده و معتقد است که «آن حوزه و قلمروی از حیات اجتماعی ... که فرد با ضمیر ما، خود را متعلق، منتسب و مدیون به آن می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند [هویت جمعی است]». سپس رابطه هویت جمعی را با بحران هویت مطرح می‌کند. او سه نوع نظام اجتماعی را در ایران قابل تشخیص می‌داند: نظام ایلی در جامعه عشایری، نظام سنتی در جامعه روستایی و نظام نسبتاً مدرن در جامعه شهری. سپس دو نوع نظام شخصیتی خاص‌گرا و عام‌گرا را در ایران بر می‌شمارد.

عبداللهی نتیجه می‌گیرد که سطح هویت جمعی در جامعه ایران بسیار نازل، کوچک و خاص‌گرایانه است و هویت جمعی عام در سطح کشور، یعنی هویت ملی - مذهبی در جوامع ایلی و روستایی بسیار ضعیف است و چنین به نظر می‌رسد که افراد پایند ارزشها و هنجارهای خاص‌گرایانه فامیلی و قومی خود هستند و منافع و مصالح فامیلی و قومی خود را بر منافع عام در جامعه ترجیح می‌دهند (۹).

دستغیب و خلقت در تحقیقی که بر روی نوجوانان شهر شیراز انجام داده‌اند تأثیر متغیرهایی مانند تعارض بین ارزشهای خانه و مدرسه، تضاد بین ارزشهای فرهنگی فرد و خانواده و فرد و مدرسه بر روی هویت نوجوانان را بررسی کرده‌اند (۶). کشاورز در تحقیق خود تأثیر عواملی از جمله میزان مادگرایی، ویژگیهای جمعیت‌شناختی و جامعه‌پذیری مذهبی، میزان استفاده از وسایل ارتباطی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی را در نظر گرفته و رابطه آنها را با نگرشهای دینی دانشجویان سنجیده است (۱۰). پارسا نیز در تحقیق خود تأثیر پدیده نوسازی را بر معرفت دینی مردم شیراز مورد توجه قرار داده و معرفت دینی را به مقوله سنتی و مدرن و زیرمجموعه‌های آن تقسیم کرده است (۲). صباغ‌پور در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود نگرشهای سیاسی مذهبی جوانان تهرانی را با در نظر گرفتن عواملی مانند پایگاه اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌های گروهی رسمی و غیر رسمی و میزان پذیرش و مراعات ارزشهای اجتماعی و گروههای مرجع بررسی کرده و در کل نگرش مذهبی جوانان و میزان اطلاعات دینی آنها را ضعیف ارزیابی نموده است (۸).

ب - تحقیقات خارجی

لویت در تحقیق خود تحت عنوان هویت جنسی و جامعه‌پذیری مذهبی در پی یافتن ریشه‌های تفاوت جنسی در باورها، نگرشها و اعمال مذهبی است. او اظهار کرده است که دختران نگرشهای مثبت‌تری دربارهٔ دین دارند و نسبت به پسران دارای سطوح بالاتر اعتقادی می‌باشند. او دلیل این امر را مذهبی‌تر بودن مادران نسبت به پدران ذکر کرده و اظهار می‌دارد که مادران بیش از پدران مایل به حاضر شدن در کلیسا هستند. ارزشهای اساسی مادران دربارهٔ فردگرایی، استقلال و آزادی بچه‌ها، باعث می‌شود که بچه‌هایشان را برای تعهد و پذیرش هر نوع اقتدار مذهبی تحت فشار نگذارند و به آنها اجازه دهند که خودشان در زمینهٔ مذهبی بودن تصمیم بگیرند. به همین دلیل است که به دلیل جامعه‌پذیری اولیه، چون دختران بیشتر تحت تأثیر مادرانشان قرار می‌گیرند، بیشتر هم واجد اعتقادات دینی می‌شوند (25).

سینیرلا در تحقیقی با عنوان «حرکت به سمت یک هویت اروپایی؟ تعامل بین هویت اجتماعی ملی و اروپایی بین دانشجویان بریتانیایی و ایتالیایی» با استفاده از نظریه‌های هویت اجتماعی تاجفل و موسکوویسی^۱ و با به‌کارگیری ابزار پرسشنامه، رابطهٔ بین هویت ملی و اروپایی را در میان دانشجویان بریتانیایی و ایتالیایی اندازه‌گیری و مقایسه کرده است. او برای اندازه‌گیری هویت ملی طیفی طراحی کرده است که شامل ۷ سؤال بسته و ۴ سؤال باز است و با استفاده از روش تحلیل واریانس دوطرفه و آزمون خی دو، نتایج زیر را به دست آورده است:

هویت اروپایی پاسخگویان بریتانیایی به‌روشنی ضعیفتر از هویت ملی آنها است و همبستگی معنادار و منفی بین آنها وجود دارد. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که این ناهمسازی بین نگرشهای اروپایی بودن و بریتانیایی بودن در راهبردهای گفتمانی که به وسیلهٔ پاسخگویان بریتانیایی، موقع پاسخ دادن به سؤالات باز مورد استفاده قرار گرفته‌اند، انعکاس یافته است. برعکس پاسخگویان ایتالیایی به‌صورت معناداری هویت اروپایی قویتری نسبت به هویت ایتالیایی دارند و بین این دو هویت همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. نکتهٔ مهم در این تحلیل این است که بین هویت

ملی ایتالیایی و بریتانیایی تفاوت کمی معناداری وجود ندارد اما تفاوت‌های کیفی در آنها قابل مشاهده هستند (20).

پیتر بورک در مقاله‌ای با عنوان «فرایند هویت و استرس اجتماعی»، استرس اجتماعی را با توجه به نظریه‌های هویت تحلیل کرده است. وی معتقد است که استرس اجتماعی به دلیل قطع شدن حلقه بازخوردی است. بورک در این مقاله چهار ساز و کار قطع شدن فرایند هویت را برمی‌شمارد که عبارت‌اند از: شکسته شدن حلقه هویت، تداخل بین نظام‌های هویتی، هویت‌های بسیار مهار شده و ارائه مرحله‌ای و مقطع هویت. هر یک از این چهار ساز و کار به شرایطی وابسته هستند که باعث ایجاد استرس اجتماعی می‌شود. در نهایت او استدلال می‌کند که ارزیابی شخصی به فرایند هویت و استرس‌های اجتماعی مربوط است و دیگر اینکه، استرس‌ها می‌توانند هویتها را تغییر دهند (893-847/P.19).

چارچوب نظری تحقیق

در تحقیق حاضر از نظریه آنتونی گیدنز در زمینه هویت شخصی استفاده شده است. طبق این نظریه، انسان زندگی اجتماعی خود را از طریق کنشهای رو در رو یا با واسطه در رابطه با انسانهای دیگر می‌سازد. او نهادهای اجتماعی را به وجود می‌آورد و از طریق تفسیرهای جدید از منابع و قواعد موجود در ساختارهای اجتماعی آنها را ارتقاء می‌بخشد.

«هویت شخصی در حقیقت همان خود است که شخص آن را به‌عنوان بازتابی از زندگی‌نامه‌اش می‌پذیرد. در اینجا نیز هویت به معنای تداوم فرد در زمان و مکان است. ولی هویت شخصی عبارت است از همین تداوم اما به‌صورت بازتاب تفسیری که خود فرد از آن به عمل آورده است» (۱۳/ ص ۸۲). باقی ماندن و ثبات این هویت نیز به توانایی و ظرفیت وی برای حفظ و ادامه روایت مشخصی از زندگی‌نامه‌اش در ذهن بستگی دارد (همان، ۸۴).

محیط‌های اجتماعی که ما در آن زندگی می‌کنیم، فقط شامل مجموعه‌های اتفاقی رویدادها و کنشها نیستند، بلکه نظام‌های اساسی یا الگوبندی‌هایی در چگونگی رفتار مردم و در روابطی که با یکدیگر برقرار می‌کنند، وجود دارند. مفهوم ساخت اجتماعی نیز به این نظمها اشاره دارد. ساختهای اجتماعی از کنشها و روابط انسانی تشکیل

شده‌اند، آنچه به آنها الگوبندی خاصی می‌دهد، تکرار آنها در دوره‌های زمانی و فواصل مکانی است. کنشهای همه انسانها از ویژگیهای ساختی جامعه‌ای که در آن پرورش یافته‌اند و زندگی می‌کنند، تأثیر می‌پذیرند و در عین حال آن ویژگیها در کنشهایشان دوباره آفریده می‌شوند و تا حدی نیز تغییر می‌کنند (۱۲/ ص ۲۲-۲۱). هر فرد برای انجام یک کنش معنادار فرایندی هرمنوتیکی از درک تجربه اجتماعی، معناکردن و تفسیر تجربه اجتماعی را طی می‌کند. برای حرکت روی این دایره هرمنوتیکی، انسان به منابعی ذهنی احتیاج دارد که این منابع در ساخت اجتماعی تأمین می‌شوند. البته این ذخیره معرفتی شامل تجارب زندگی خصوصی فردی و خاطرات شخص می‌شود. به‌همین دلیل است که دو فرد دارای هویت‌های یکسان نیستند. اما هرچه زمینه این تجارب با هم شبیه‌تر باشد، شباهت هویتها نیز بیشتر است. به‌طوری که در سطح کلان می‌توان از یک هویت اجتماعی سخن گفت و از تجارب تاریخی و جمعی یا گروهی انسانها صحبت کرد. انسان در جریان این دور هرمنوتیکی می‌تواند به‌طور پیوسته، گذشته را به حال و آینده پیوند بزند و برای خود، هویتی پیوسته، بدون بریدگی، سالم و زندگینامه‌وار تعیین کند. هر کنش در زمان حال ریشه در تجارب گذشته و برنامه‌های آینده خواهد داشت. به‌صورت شخصی، این گذشته عبارت از خاطرات شخص خواهد بود و به‌صورت جمعی تاریخ را در بر خواهد گرفت. به همین دلیل برای شناختن یک ملت باید تاریخ آنها را به‌عنوان تجارب گذشته که در کنش حال و آینده آنها تأثیر خواهد داشت و هویت فعلی آنها را ساخته است، مطالعه کرد.

در جوامع ماقبل مدرن یکی از مهمترین منابع معرفتی مذهب بود، در نتیجه درک تجربه، معنا و تفسیر آن بر اساس دین صورت می‌گرفت و به همین دلیل اکثر کنشهای زندگی دلایل دینی و مذهبی داشتند. هنوز هم دین یک مرجع نهادین است که اشکال مختلف سازمانهای اجتماعی را معنادار می‌کند. دین به قواعد و منابع مرتبط است و مردم آنها را در زندگی روزمره خود باز تولید می‌کنند، که چون اهمیت معنابخشی دین برای مردم بسیار مهم است، نظامی نمادین در دین پرورده شده است که به زندگی معنا و مفهوم می‌دهد و اجتماع و روابط اجتماعی را مشروعیت می‌بخشد و بخشی از منابع اقتداری جامعه را نیز در دست دارد. به نظر گیدنز مذهب یکی از منابع اقتدار سنتی است. اما در زمان حال، مدرنیسم، مراجع زندگی بشری را متعدد کرده است. مراجعی

که همه مدعی صلاحیت هستند و سنت که مهمترین مرجع و مأخذی بود که بشر به آن رجوع می‌کرد، اهمیت کلی خود را از دست داده است. در واقع از لحاظ ساختاری منابع جهان مدرن، متعددتر از منابع سنتی هستند و در بعضی موارد با آنها تفاوت ماهوی دارند. اشکال گوناگون اقتدار سنتی اینک فقط شکلهایی در میان دیگر اشکال اقتدار اجتماعی هستند. تحول در منابع، تحول در قواعد را در پی داشته است و چون این مردم هستند که در یک دیالکتیک درونی - بیرونی ساخت را باز تولید می‌کنند، شیوه زندگی و هویت اجتماعی انسان امروزی با انسان ماقبل مدرن تفاوت زیادی دارد و فرایند هویت‌یابی افراد تابع خصوصیات مدرنیته شده است.

هرچه وضع و حال جامعه و محیطی که فرد در آن به سر می‌برد بیشتر به دنیای مابعد سنتی تعلق داشته باشد، شیوه زندگی او بیشتر با هسته واقعی هویت شخصی‌اش و ساخت و همچنین تجدید ساخت آن سروکار خواهد داشت (۱۳/ ص ۱۲۰). اهمیت شیوه زندگی در شکل‌گیری هویت، با توضیح پدیده جهانی شدن، بیشتر نمودار می‌شود. پیشرفت در فن‌آوری ارتباطی به‌عنوان مهمترین منبع تجربه با واسطه در فرایند هویت‌یابی تأثیری عظیم داشته است (۱۳).

جهانی شدن در واقع به معنای در هم گره خوردن رویدادهای اجتماعی و روابط اجتماعی سرزمین‌های دوردست با تار و پود موضعی یا محلی جوامع دیگر است. جهانی شدن عملاً این مفهوم را القاء می‌کند که هیچ کس قادر نیست از تحولات ناشی از گسترش تجدد، مصون بماند یا بر خلاف آن گزینشی به عمل آورد. بسیاری از جوه نهادین امروزی، از جمله آنهایی که با مقیاسهای کوچک عمل می‌کنند، حتی مردمی را که در سنتی‌ترین سکونتگاههای ممکن خارج از بخش پیشرفته جهان زندگی می‌کنند، تحت تأثیر قرار می‌دهد (۱۳/ ص ۴۲).

جهانی شدن زندگی به معنی در ارتباط قرار گرفتن حلقه‌های تجربه بسیار زیادی است که چون زمان و مکان در پراتز قرار گرفته‌اند و ایجاد ارتباط از ورای زمان و مکان امکان‌پذیر شده است، زنجیره‌های تجاری که روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند، در مقیاس جهانی گسترده شده‌اند.

از طرف دیگر در دنیای امروزی با پدیده دنیاگرایی روبه رو هستیم. تمام کسانی که به موضوع دین پرداخته‌اند به سکولار شدن (دنیاگرایی) جوامع جدید توجه داشته‌اند. قضیه تأثیر رو به کاهش دین و سنت چندان در نوشته‌های علوم اجتماعی به

بحث کشیده شده که نیازی به بحث مفصل درباره آن نیست. «دنیوی شدن، فرایندهایی را توصیف می‌کند که از طریق آنها دین، نفوذ خود را بر حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی از دست می‌دهد» (۱۲/ ص ۴۸۴). مسلماً پدیده دنیابگرای بر هویت مذهبی تأثیری عمیق برجا گذاشته است. با توجه به این مطالب می‌توان گفت که:

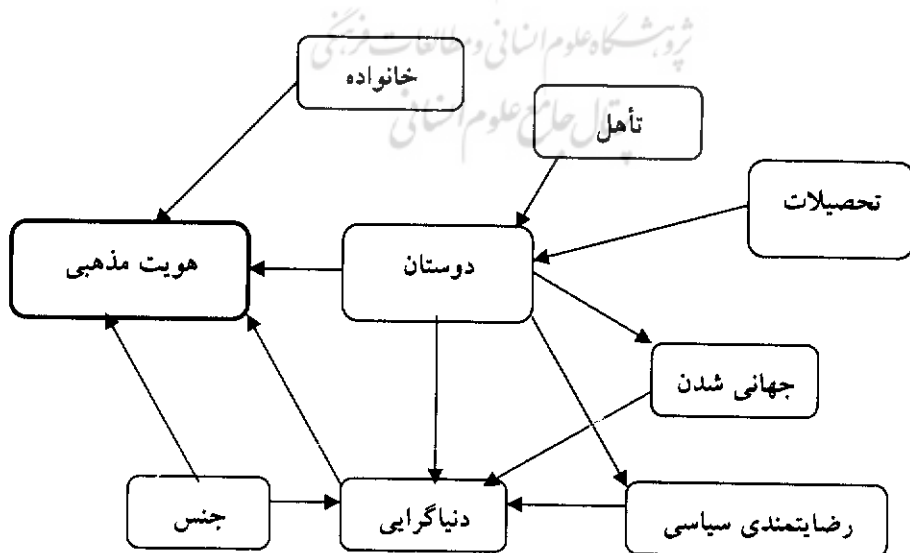
هویت دینی هر فرد در واقع عبارت از میزان نقشی است که فرد در بازتولید

نهاد دین در جامعه ایفا می‌کند یا میزان اهمیتی که فرد در شیوه زندگی

انتخابی خود، به انگاره‌های تعاملی دینی می‌دهد.

مردم و از همه مهمتر جوانان تحت تأثیر تجارب گذشته خود و با توجه به شرایط فعلی و نگاهی به آینده در حال تصمیم‌گیری برای چگونگی بازتولید نهاد دین در ایران هستند و در این فرایند هم ساخت اجتماعی را بازتولید خواهند کرد و هم هویت دینی و اجتماعی جدیدی برای خود، خواهند ساخت. بنابراین در ایران هم عناصری از فرهنگ سنتی وجود دارد و هم میزان تأثیرپذیری از فرهنگ جهانی و تکثری که متضمن آن است، گزینه‌های بیشتری نسبت به یک جامعه سنتی، برای انتخاب شیوه زندگی در اختیار جوانان قرار می‌دهد. با توجه به چارچوب نظری می‌توان مدل تجربی این تحقیق را ارائه کرد.

مدل تجربی تحقیق



فرضیه‌ها

- در این تحقیق فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار می‌گیرند:
- ۱- هویت مذهبی زنان از مردان قوی‌تر است.
 - ۲- متأهلان نسبت به مجردان هویت مذهبی قوی‌تری دارند.
 - ۳- بین میزان مذهبی بودن والدین و هویت مذهبی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.
 - ۴- بین میزان مذهبی بودن دوستان و هویت مذهبی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.
 - ۵- بین میزان رضایتمندی سیاسی و هویت مذهبی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.
 - ۶- بین میزان دنیاگرایی و هویت مذهبی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.
 - ۷- بین میزان جهانی شدن و هویت مذهبی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

یکی از روشهای تحقیق که امروزه بیشتر در پژوهشهای جامعه‌شناسی به‌کار می‌رود، پیمایش است. در میان تمام روشهای تجربی «پیمایش» یکی از متداول‌ترین و شناخته‌شده‌ترین روشهای تجربی در علوم انسانی است که به‌طور وسیعی مورد استفاده محققان واقع می‌شود. پیمایش در نظر دواس^۱ «یک روش خاص تحلیل و جمع‌آوری اطلاعات است» (۶/ ص ۱۳).

جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق جوانان ساکن شهر شیراز هستند. نتایج تحقیقات پیمایشی را می‌توان با اطمینان نسبتاً زیادی تعمیم داد. شیراز به‌عنوان یکی از ۵ شهر بزرگ ایران مورد مطالعه قرار گرفته است. در ابتدا باید این جمعیت را برای انجام نمونه‌گیری تعریف کرد. درباره شروع و پایان دوره جوانی اختلاف نظر بسیار زیادی بین روان‌شناسان وجود دارد. برای تعیین این دوره از زندگی در پژوهش حاضر، از تقسیم‌بندی اریکسون استفاده می‌کنیم که جوانان را افراد بین ۱۹ تا ۳۵ سال در نظر گرفته است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ کشور، کل جمعیتی که در شیراز در این گروه سنی قرار می‌گیرند ۲۵۲۳۵۰ نفر هستند. برای تعیین حجم نمونه از جدول «لاین» استفاده شده است. براساس این جدول حجم نمونه برای جمعیت بین صد هزار تا پانصد هزار در سطح ۹۵٪ اطمینان و با ۵٪ خطای نمونه‌گیری ۳۸۳ نفر خواهد بود (۵- 26/P.3).

ابزار سنجش در این تحقیق پرسشنامه بوده است. در این پرسشنامه از سؤالات باز، نیمه‌باز و بسته استفاده شده است. اکثر متغیرها مانند میزان مذهبی بودن خانواده و دوستان، میزان دنیاگرایی، میزان رضایتمندی سیاسی و هویت مذهبی به صورت طیف لیکرت و با سؤالات بسته اندازه‌گیری شده‌اند. اعتبار طیف‌های این پژوهش براساس اعتبار صوری مورد بررسی قرار گرفت. به این منظور ضمن انطباق گویه‌ها با تحقیقات انجام شده و چارچوب نظری حاکم بر پژوهش تمامی گویه‌های استخراج شده در اختیار متخصصان و کارشناسان مرتبط با موضوع مورد مطالعه قرار گرفت. پایایی ابزارهای سنجش (طیف‌ها) براساس ارزیابی سازگاری درونی طیف‌ها و در نهایت محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مربوط به هر طیف مورد بررسی قرار گرفت (هویت دینی، $\alpha = 0/89$)، (میزان مذهبی بودن خانواده، $\alpha = 0/83$)، (میزان مذهبی بودن دوستان، $\alpha = 0/91$)، (رضایتمندی سیاسی، $\alpha = 0/84$)، (میزان دنیاگرایی، $\alpha = 0/84$)، (میزان جهانی شدن، $\alpha = 0/69$).

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرکز آمار ایران استفاده شده است. در این روش، شهر شیراز به ۴۴۲ حوزه تقسیم شده، این حوزه‌ها همگن‌سازی شده‌اند و از میان آنها ۲۴ حوزه انتخاب شده و در این حوزه‌ها بلوک‌هایی به طور تصادفی تعیین شدند و در هر بلوک با استفاده از روش تصادفی نظام‌مند (سیستماتیک) از ۱۷ پاسخگو اطلاعات جمع‌آوری شده است.

بعد از استخراج و کدگذاری اطلاعات جمع‌آوری شده، با استفاده از نرم‌افزار SPSS استخراج نتایج انجام گردید. با توجه به ماهیت متغیرهای تعریف شده از روشهای آماری مختلفی مانند: تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است.

تعریف نظری و عملی متغیرها

در این تحقیق از چند متغیر در سطوح مختلف استفاده شده که در این قسمت به تعاریف عملی و نظری آنها می‌پردازیم.

۱- **هویت مذهبی:** با توجه به تعریف نظری ارائه شده متغیر هویت مذهبی با استفاده از طیف لیکرت با توجه به شاخصهایی مانند میزان آگاهی مذهبی، کنش‌های روزمره‌ای که

با انگیزه‌های مذهبی انجام می‌شود، میزان پایبندی به آداب و رسوم مذهبی و ... اندازه‌گیری شده است.

۲- **میزان مذهبی بودن خانواده:** این متغیر میزان پایبندی افراد خانواده فرد (پدر، مادر، خواهران و برادران) را به مناسک و اعمال مذهبی نشان می‌دهد که با شاخصهایی مانند انجام اعمال مذهبی از قبیل نماز و روزه، خواندن قرآن و پرداخت وجوهات دینی، همچنین شرکت در جلسات مذهبی، به‌صورت یک طیف لیکرت در قالب ۵ گویه اندازه‌گیری شده است.

۳- **میزان مذهبی بودن دوستان:** این متغیر میزان پایبندی دوستان پاسخگو را به مذهب نشان می‌دهد و با همان شاخصهایی که در مورد قبل اشاره شد و با یک طیف ۵ گویه‌ای اندازه‌گیری شده است.

۴- **میزان دنیاگرایی:** دنیاگرایی^۱ دارای مفاهیم مختلفی است اما آنچه در این تحقیق مد نظر است فرایندهایی است که باعث کاهش نفوذ دین در اجتماع می‌شود (۱۲/ ص ۴۸۴). همچنین جدایی دین از حوزه‌های عمومی مانند سیاست و اقتصاد و رانده شدن آن به حوزه‌های بیش از پیش خصوصی‌تر. این متغیر دنیاگرایی با شاخصهایی مانند فردی و خصوصی شدن دین، تساهل و تسامح دینی، جدا انگاشتن دین از سیاست، توجه به نتایج دنیایی اعمال و توجه به علم جدید در کنار دین، در قالب یک طیف ۱۳ گویه‌ای اندازه‌گیری شده است.

۵- **میزان رضایتمندی سیاسی:** رضایتمندی سیاسی عبارت است از میزان رضایت از عملکرد مسئولان و سیاستهای جاری در کشور همچنین میزان امید به آینده سیاسی کشور نسبت به گذشته و میزانی که مردم مسئولان را برای تصدی امور شایسته می‌دانند. این متغیر با استفاده از یک طیف ۹ گویه‌ای با توجه به شاخصهای معرفی شده در تعریف، اندازه‌گیری شده است.

۶- **میزان جهانی شدن:** جهانی شدن در واقع به معنای درهم گره خوردن رویدادها و روابط اجتماعی سرزمین‌های دور دست با تار و پود موضعی یا محلی جوامع دیگر است (۱۳/ ص ۴۲) برای اندازه‌گیری این متغیر از شاخصهای میزان فردگرایی و میزان

استفاده از رسانه‌های جمعی و گستره دامنه فردی استفاده شده است که در مجموع در قالب یک طیف ۱۲ گویه‌ای اندازه‌گیری شده است.

نتایج

برای تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده در این پژوهش از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است که در دو بخش جداگانه ارائه خواهد شد.

تحلیل توصیفی

به دلیل اینکه اطلاعات جمع‌آوری شده در این تحقیق حجم زیادی دارند و همه آنها را نمی‌توان در اینجا ارائه نمود، به چند جدول فراوانی که می‌تواند ما را در ارائه نتایج تحقیق یاری کنند اکتفا شده است.

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی منابع اطلاعات مذهبی را نشان می‌دهد. این جدول بیانگر این است که بسیاری از پاسخگویان (۳۶/۳ درصد) اطلاعات مذهبی خود را از خانواده به دست می‌آورند. مطالعه کتاب و روزنامه (۲۰/۸ درصد)، جلسات مذهبی (۱۵/۵ درصد)، رسانه‌های گروهی (۱۴/۵ درصد) در رده‌های بعد قرار دارد. این مطلب نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده خانواده در میزان و کیفیت اطلاعات مذهبی فرد است. بعد از خانواده، مطالعه بیشترین تأثیر را بر میزان اطلاعات مذهبی جوانان داشته است.

جدول ۱- توزیع فراوانی مهمترین منبع اطلاعات مذهبی

منبع اطلاعات مذهبی	فراوانی	درصد
خانواده	۱۴۵	۳۶/۳
مطالعه کتاب و روزنامه	۸۳	۲۰/۸
جلسات مذهبی	۶۳	۱۵/۵
رادیو و تلویزیون	۵۸	۱۴/۵
محل کار	۲۶	۶/۵
دوستان	۱۹	۴/۸
بی‌جواب	۶	۱/۵
جمع	۴۰۰	۱۰۰

پاسخگویان در پاسخ به این سؤال که: اگر متوجه شوید که یکی از دوستان شما عقاید مذهبی کاملاً متفاوتی با شما پیدا کرده است تا چه اندازه حاضرید به دوستی با او ادامه دهید؟ ۵۲/۵ درصد افراد، پاسخ‌های متوسط تا خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند و ۳۶ درصد کم و خیلی کم مایل به ادامه دوستی بوده‌اند. این امر نشان‌دهنده این است که معیارهای مذهبی نمی‌تواند سهم اساسی در گزینش نوع ارتباط فردی بین اشخاص داشته باشد. قابل ذکر است که یافته‌های جدول شماره ۱ نیز این ادعا را تا حدود زیادی تأیید می‌نماید به طوری که دوستان کمترین سهم را در ارائه اطلاعات دینی دارند.

از پاسخگویان سؤال شده بود که به نظر شما کاربرد مذهب در کدام یک از جنبه‌های زیر بیشتر است. حداکثر فراوانی این پاسخ‌ها روی گزینه اخلاقیات قرار دارد (۳۶ درصد) و بعد از آن مسائل «عبادی» بیشترین فراوانی را دارد (۳۵/۵ درصد). ۲۰ درصد کاربرد اجتماعی-اقتصادی و فقط ۵/۸ درصد از پاسخگویان برای دین کاربرد سیاسی در نظر گرفته‌اند. این یافته‌ها بیانگر محدود شدن دین به حوزه خصوصی زندگی افراد می‌باشد.

جدول ۲- توزیع فراوانی کاربرد مذهب از نظر پاسخگویان

گویه	اخلاقی	عبادی	اقتصادی-اجتماعی	سیاسی	بی‌جواب
به نظر شما کاربرد مذهب در کدام یک از جنبه‌های زیر بیشتر است	۱۴۴ ٪۳۶	۱۴۲ ٪۳۵/۵	۸۰ ٪۲۰	۲۵ ٪۵/۸	۱۱ ٪۲/۸

جدول شماره ۳ نشان‌دهنده نظر پاسخگویان در مورد منابع اطلاعات معتبر دینی است. در پاسخ به این سؤال ۴۴/۳ درصد از پاسخگویان اظهار کرده‌اند که باید به قرآن و نهج‌البلاغه رجوع کرد و پس از آن ۲۲ درصد از آنها فقط روشنفکران دینی را معتبر دانسته‌اند و در مرحله بعد ۱۹/۸ درصد اعتقاد داشته‌اند به روحانیان و روشنفکران هر دو باید توجه داشت. فقط ۱۰/۳ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند کتاب‌هایی که روحانیان مبرز مانند آیت‌الله مطهری و مصباح یزدی در مورد معارف دینی نوشته‌اند به تنهایی برای گرفتن اطلاعات دینی معتبر کافی هستند. در مجموع یافته‌های این جدول

حکایت از نوعی دریافت شخصی افراد از منابع اصلی دین (قرآن و سنت) دارد. این مطلب بدان معنا است که اگر چه پاسخگویان روحانیان و روشنفکران را در درجات بعدی منابع اطلاعات دینی نسبت به منابع اصلی قرار می‌دهند، مشخص نیست که چگونه این منابع به صورت عملی در خدمت رفتار آنان قرار می‌گیرد. بر اساس یافته‌های جدولهای قبل (جدول شماره ۱) تجربیات اجتماعی افراد (مثلاً از طریق خانواده) می‌تواند شیوه برداشتهای نظری و در نهایت عملی رفتار را تعیین نماید.

جدول ۳- توزیع فراوانی منابع اطلاعات معتبر دینی

درصد	فراوانی	منبع اطلاعات مذهبی
۴۴/۳	۱۷۷	قرآن و نهج البلاغه
۲۲	۸۸	روشنفکران
۱۹/۸	۷۹	روحانیون و روشنفکران
۱۰/۳	۴۱	کتابهای روحانیون
۳/۸	۱۵	بی‌جواب
۱۰۰	۴۰۰	جمع

طی دو سؤال باز از پاسخگویان سؤال شده بود که به نظر شما قبلاً مردم برای رفع مشکلات دینی خود به چه کسانی رجوع می‌کردند؟ و امروزه به چه کسی رجوع می‌کنند؟ پاسخ سؤالات نشان می‌دهد که مرجع حل مشکلات مردم طی زمان متکثر شده است. روحانیان و دینداران که قبلاً ۷۱/۳ درصد مرجع حل مشکلات مردم بوده‌اند اکنون به ۱۹ درصد تنزل کرده‌اند. روشنفکران و رسانه‌ها که قبلاً سهم ناچیزی در این امر داشته‌اند، اکنون ۳۰/۷ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. این فرایند تداعی‌کننده نوعی جایگزینی در منابع حل مشکلات دینی مردم می‌باشد که لازم است در ارائه دقیق و سازمان‌یافته از طرق جدید اقدام شود. نکته حایز اهمیت در پاسخ‌هایی که به سؤال

دوم داده شده است این است که پاسخگویان مرجع حل مشکل در زمان حال را با تعبیر «روحانیان باصلاحیت»، «افراد باصلاحیت»، «هر کسی که مطالعه داشته باشد» معرفی کرده‌اند که نشان‌دهنده تغییر نوع نگرش به صلاحیت مراجع دینی می‌باشد.

تحلیل استنباطی

یافته‌های پژوهش دلالت بر این امر دارند که متغیرهای مهم در توضیح تغییرات هویت مذهبی عبارت‌اند از میزان مذهبی بودن دوستان و والدین، میزان دنیاگرایی و جنسیت. علاوه بر آن میزان رضایتمندی سیاسی و وضعیت تأهل نیز با متغیر وابسته رابطه معناداری نشان داده‌اند. جدولهای نتایج آماری، روابط بین هویت مذهبی و متغیرهای ذکر شده را بیان می‌کنند.

ارزیابی فرضیه‌های تحقیق

تحلیل نتایج نشان می‌دهد که زنان هویت مذهبی قوی‌تری را نسبت به مردان از خود نشان می‌دهند. همچنین متأهلان از مجردان مذهبی‌ترند. برای آزمون این رابطه به این دلیل که متغیر جنس و تأهل در سطح اسمی اندازه‌گیری می‌شوند، از آزمون F یا تحلیل واریانس استفاده شده است.

در جدول ۴ با توجه به سطح معنی‌داری مشاهده می‌شود که بین جنس و هویت مذهبی رابطه معناداری وجود دارد و میانگین هویت دینی زنان از مردان بیشتر است. یعنی زنان مذهبی‌تر از مردان هستند. همین مطلب در مورد متأهلان و مجردان نیز صدق می‌کند. به این معنی که متأهلان نسبت به مجردان دارای میانگین هویت مذهبی بیشتری هستند.

جدول ۴- تحلیل واریانس هویت مذهبی و متغیرهای اسمی

هویت مذهبی		میانگین	Eta	Eta ^۲
تأهل	متأهل	۹۸/۳۸	۰/۱۹	۰/۰۳۶۵
	مجرد	۹۱/۷۷		
جنس	زنان	۹۸/۴۳	۰/۱۸۴۱	۰/۰۳۳۹
	مردان	۹۲/۰۴		

جدول شماره ۵ تأثیر عوامل خانواده، دوستان، رضایتمندی سیاسی، میزان جهانی شدن و دنیاگرایی را در شکل‌گیری هویت مذهبی جوانان نشان می‌دهد. با توجه به سطح معناداری، می‌توان گفت که بجز متغیر جهانی شدن بین این متغیرها و هویت مذهبی افراد رابطه معناداری در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد و این رابطه برای همه متغیرها غیر از میزان دنیاگرایی، مستقیم و مثبت است. متغیر میزان جهانی شدن رابطه معناداری با هویت مذهبی نشان نداده است یعنی این متغیر به‌طور مستقیم بر هویت مذهبی تأثیر نداشته است.

با توجه به جدول شماره ۵ می‌توان گفت مقدار همبستگی برای دوستان بیش از مقدار این همبستگی در مورد خانواده است. یعنی تأثیر دوستان فرد بر او از تأثیر خانواده‌اش بیشتر است. بر اساس این جدول رابطه بین هویت مذهبی و میزان دنیاگرایی در سطح حداقل اطمینان ۹۵ درصد معنادار است، اما این رابطه، عکس است. یعنی هرچه فرد دنیاگراتر باشد، هویت مذهبی ضعیف‌تری دارد و هرچه میزان دنیاگرایی در او کمتر باشد، هویت مذهبی قوی‌تری خواهد داشت و فرض اولیه تحقیق تأیید شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار این همبستگی از میزان همبستگی رضایتمندی سیاسی بیشتر است، یعنی دنیاگرایی در عقاید فرد بیشتر از رضایتمندی سیاسی او بر قوت و ضعف هویت مذهبی‌اش اثر دارد.

جدول ۵ - ضریب همبستگی پیرسون بین هویت مذهبی و متغیرهای فاصله‌ای

سطح معناداری	همبستگی پیرسون	هویت مذهبی و ...
۰/۰۰۰	۰/۵۵۳۹	میزان مذهبی بودن خانواده
۰/۰۰۰	۰/۶۶۸۳	میزان مذهبی بودن دوستان
۰/۰۰۰	۰/۲۷۳۲	میزان رضایتمندی سیاسی
۰/۰۰۰	۰/۴۱۱۷	میزان دنیاگرایی
۰/۲۱۹	۰/۰۶۳۹	میزان جهانی شدن

تحلیل چند متغیره هویت مذهبی

جدول شماره ۶ نتایج رگرسیون چندمتغیره را برای توضیح واریانس هویت مذهبی نشان می‌دهد. متغیر هویت دینی به‌عنوان متغیر وابسته و متغیرهای تأهل، سن، میزان مذهبی بودن خانواده، جنس، میزان مذهبی بودن دوستان، میزان تحصیلات، میزان جهانی شدن، میزان دنیاگرایی، میزان رضایتمندی سیاسی و رتبه شغلی به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شدند.

جدول ۶ - متغیرهای وارد شده برای توضیح واریانس هویت مذهبی در مرحله چهارم

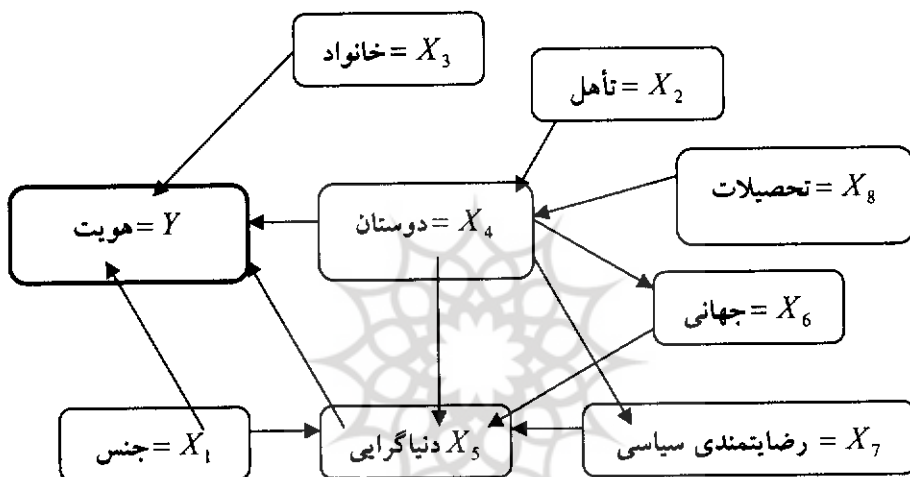
Sig T	T	Beta	B	متغیرهای وارد شده
۰/۰۰۰	۱۰/۴۷۵	۰/۴۵۴	۱/۸۲۸	میزان مذهبی بودن دوستان
۰/۰۰۰	-۵/۵۸۰	۰/۲۲۰	۰/۶۲۹	میزان دنیاگرایی
۰/۰۰۰	۵/۵۴۳	۰/۲۵۳	۱/۰۵۸	میزان مذهبی بودن خانواده
۰/۰۱۳	۲/۴۹۴	۰/۰۹۵	۳/۱۷۶	جنس
R = ۰/۷۳۹		F = ۱۰۱/۲۳		
R ^۲ = ۰/۵۴۷		Sig F = ۰/۰۰۰		

همان‌طور که مشاهده می‌کنید، فقط چهار متغیر وارد معادله رگرسیونی شده‌اند که در این میان میزان مذهبی بودن دوستان بیشترین تأثیر را روی هویت مذهبی افراد داشته است. این متغیر به تنهایی ۴۳ درصد از کل واریانس هویت مذهبی را توضیح می‌دهد. پس از آن به ترتیب، میزان دنیاگرایی، میزان مذهبی بودن خانواده و جنسیت قرار دارند. نکته مهم اینکه نقش خانواده نسبت به میزان انتظاری که از آن می‌رود، بسیار کم‌رنگ است به طوری که تأثیر آن بعد از دوستان و دنیاگرایی قرار گرفته است. علاوه بر این، متغیرهای مهمی مانند میزان رضایتمندی سیاسی، تحصیلات و میزان جهانی شدن وارد معادله رگرسیون نشده‌اند. می‌توان گفت که این امر به دلیل تعامل متغیرها در رگرسیون است اما همان‌طور که در تحلیل مسیر مشاهده خواهید کرد، این متغیرها به‌طور غیرمستقیم بر هویت مذهبی تأثیر داشته‌اند.

تحلیل مسیر

بعد از انجام تحلیل چندمتغیره، برای ارزیابی مدل تحقیق از روش تحلیل مسیر، استفاده شد. اثر مستقیم متغیرها به صورت مجموع آثار مستقیم و جدا از هم بر متغیر وابسته ظاهر می‌شود. اثر غیرمستقیم به صورت مجموع حاصلضرب آثار مسیرهای مختلفی خواهد بود که در مدل نهایی به متغیر وابسته ختم می‌شود. نمودار زیر تحلیل مسیر را در این پژوهش نشان می‌دهد.

نمودار تحلیل مسیر



جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که مدل نظری تحقیق توانسته است در حدود ۵۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را تعریف کند و در مجموع ۴۵ درصد از واریانس این متغیر به دلیل عواملی هستند که در این تحقیق در نظر گرفته نشده‌اند. اکثر تأثیراتی که روی متغیر وابسته مشاهده می‌شود مربوط به آثار مستقیم می‌باشد که از طرف متغیرهای جنس، میزان مذهبی بودن خانواده، میزان مذهبی بودن دوستان و میزان دنیاجرای اعمال شده است و متغیر میزان مذهبی بودن دوستان به تنهایی ۴۵ درصد از متغیر وابسته را تبیین می‌کند. تأثیرات غیرمستقیم ناچیزند و یکدیگر را خشی می‌کنند به طوری که کل آثار غیر مستقیم نزدیک به ۱۲ درصد تأثیر کل بوده است. در مجموع نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که مدل ترسیم شده برای تبیین هویت مذهبی جوانان به خوبی توانسته است از عهده تبیین آن برآید.

جدول ۷- محاسبه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر هویت دینی

تأثیرات مستقیم	$X_1 \rightarrow Y \Rightarrow 0/095$ $X_2 \rightarrow Y \Rightarrow 0/253$ $X_3 \rightarrow Y \Rightarrow 0/454$ $X_5 \rightarrow Y \Rightarrow -0/220$
تأثیرات غیرمستقیم	$X_1 \rightarrow X_5 \rightarrow Y \Rightarrow (0/253)(-0/220) = -0/056$ $X_2 \rightarrow X_3 \rightarrow Y \Rightarrow (0/274)(0/454) = 0/124$ $X_2 \rightarrow X_1 \rightarrow X_5 \rightarrow Y \Rightarrow (0/274)(-0/167)(-0/220) = 0/101$ $X_2 \rightarrow X_3 \rightarrow X_1 \rightarrow X_5 \rightarrow Y \Rightarrow (0/274)(0/234)(-0/250)(-0/220) = 0/0035$ $X_2 \rightarrow X_1 \rightarrow X_3 \rightarrow X_5 \rightarrow Y \Rightarrow (0/274)(-0/177)(0/211)(-0/220) = 0/0022$ $X_3 \rightarrow X_1 \rightarrow Y \Rightarrow (0/12)(0/454) = 0/054$ $X_3 \rightarrow X_1 \rightarrow X_5 \rightarrow Y \Rightarrow (0/12)(-0/220)(-0/167) = 0/0044$ $X_3 \rightarrow X_1 \rightarrow X_2 \rightarrow X_5 \rightarrow Y \Rightarrow (0/12)(0/234)(-0/250)(-0/220) = 0/0015$ $X_3 \rightarrow X_1 \rightarrow X_2 \rightarrow X_5 \rightarrow Y \Rightarrow (0/12)(-0/177)(0/211)(-0/220) = -0/0010$ $X_5 \rightarrow X_2 \rightarrow X_3 \rightarrow Y \Rightarrow (0/220)(0/274)(0/454) = 0/0263$ $X_5 \rightarrow X_2 \rightarrow X_1 \rightarrow X_3 \rightarrow Y \Rightarrow (-0/220)(-0/101)(-0/250) = -0/0055$
اثر مستقیم	0/582
اثر غیرمستقیم	0/1183
تأثیر کل	0/700

$$R^2 = 0/547$$

$$E = \sqrt{1-0.547} \quad \sqrt{1-R^2} = 0/673 \quad E = 0/673 \quad E^2 = 0/453$$

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق بیان می‌کند که هویت مذهبی جوانان امروز دارای گسستگی نسبت به نسل گذشته است. آنها از قرائت‌ها و برداشت‌های سنتی و تفاسیر رایج دینی گسسته‌اند و میزان هویت دینی کمتری را نسبت به نسل گذشته از خود نشان می‌دهند. شاهد این مدعا، علاوه بر پیشی گرفتن تأثیر دوستان بر زمینه خانوادگی، راهبردهای گفتمانی است که در پاسخ به سؤالات باز و نیمه‌باز پرسشنامه توسط پاسخگویان انتخاب شده است.

با استتاجی از نظریه‌گیدنز می‌توان گفت یکی از دلایل کاهش هویت مذهبی، تعدد مراجع تفسیری می‌باشد که در دنیای مدرن اتفاق افتاده است. با توجه به فضای باز فرهنگی و سیاسی که بعد از انقلاب اسلامی و به‌خصوص در دهه ۷۰ و علی‌الخصوص پس از دوم خرداد ۷۶ در ایران به وجود آمد، موج عظیمی از اندیشه‌های جدید وارد فرهنگ ایران شد که به‌خصوص بر جوانان تأثیری عمیق نهاد. گرچه توسعه و سیاست‌های جدید اقتصادی در دوران سازندگی، اولین و مهمترین عامل فرهنگی در نهادینه شدن فردگرایی به معنای جدید آن در ایران بود و به تدریج تسلط نظام‌های مجرد کارشناسی علمی و اهمیت روزافزون مدیران متخصص و برتری نسبی تخصص بر تعهد، در ایران محسوس شده است، اما با طرح شایسته‌سالاری و تحقق جامعه مدنی بعد از دوم خرداد ۷۶ روز به روز جریان جهانی شدن، دنیاگرایی در میان مردم بیش از پیش مشهود شده است و روند سریعتری به خود گرفته است.

تعدد مراجع را می‌توان با توجه به سؤالاتی که از پاسخگویان در مورد مراجع حل مشکلات دینی زمان گذشته و حال شده است، به‌وضوح مشاهده کرد. این پاسخها نشان داده‌اند که امروزه، پاسخ سؤالات دینی در انحصار مفسران سنتی دین نیست. ۳۰/۶ درصد پاسخگویان علاوه بر روحانیان مراجع دیگری مانند روشنفکران یا وسایل ارتباط جمعی را نام برده‌اند و ۶/۸ درصد نیز اعلام کرده‌اند به هیچ کس مراجعه نمی‌کنند. همچنین منابعی که پاسخگویان اطلاعات دینی خود را از آنجا دریافت می‌کنند نیز متعدد است. در این زمینه نیز کتاب و رسانه‌ها، روشنفکران و روحانیان توسط پاسخگویان نام برده شده‌اند (جدول ۱).

می‌توان تغییر عقیده مردم را در کاربرد دین در اجتماع در پاسخ به سؤالی به همین مضمون مشاهده کرد (جدول ۲). اگر پاسخ به این پرسش را با گزینه‌های

پیش‌گفته در مورد خصوصی بودن دین، مقایسه کنیم، مشاهده می‌شود که مردم دین را کاملاً خصوصی می‌انگارند و این یکی از معانی مصطلح دنیاگرایی است.

دین هنوز تأثیر چشمگیری در زندگی اجتماعی جوانان دارد. آنها در انتخابهای سرنوشت‌ساز زندگی خود مانند انتخاب همسر، یا انتخابهای روزمره مانند طرز پوشش (حداقل به صورت نظری) دین را یکی از ملاکهای انتخاب می‌دانند، اما دنیاگرایی کم‌کم معرفت سنتی دینی را با مفاهیم جدیدی که همراه با فرایندهای جهانی شدن مطرح شده‌اند، ترکیب کرده است. دنیاگرایی به دلیل مطالعه، تحصیلات و فعالیت‌های روشنفکرانه، به وجود نیامده است، بلکه محصول تجارب اجتماعی است. اکنون جوانان درباره کارایی و سودمندی دین در عرصه‌های عمومی در حال داوری هستند و به نظر می‌رسد که آن را در ساحت‌های خصوصی‌تر زندگی محدود کرده‌اند. بنابراین احتمالاً در آینده، انتخابهای جوانان در اجتماع اگر هم با توجه به دین باشد باز هم خصلت غیر دینی‌تری (نه لزوماً ضد دینی) خواهد داشت.

اگر دین بخواهد وارد زندگی سیاسی- اجتماعی مردم شود باید بتواند علاوه بر بعد اخروی و حل مسأله رستگاری و معناداری جهان (که تمام ادیان بنا به ماهیتشان به‌درجاتی این نقش را بازی می‌کنند) بعد دنیوی زندگی را به صورت عملی و ملموس، تعریف کند.

گرچه اسلام دارای ظرفیتهای زیادی در این مورد است و در بسیاری از عرصه‌ها نیز کارآمدی خود را ثابت کرده است، اما به هر دلیل تعریف‌های عملی و دنیایی دین در میان جوانان غایب است و آنها خود تحت تأثیر سیستم جهانی (بعد دنیایی) زندگی روزمره خود را توجیه می‌کنند.

مدیریت زندگی اجتماعی در جهان امروز ماهیتی علمی و تخصصی دارد. بنابراین برای ورود موفقیت‌آمیز به امور دنیا باید چارچوب نظری علمی داشت. راهکارهایی که از متن دین ارائه می‌شوند باید در زندگی عملی دنیای امروز کارا و معتبر باشند. اگر جوانان از چنین راهکارهایی استفاده نمی‌کنند و روشهای دینی نیز در زندگی روزمره دارای تعاریف عملی نیستند، پس حتماً شعور عامیانه است که آنها را رهبری می‌کند. شعور عامیانه گرچه می‌تواند امور دنیوی را سامان دهد، اما باعث پیشرفت سریع که لازمه زندگی امروزی جهان است، نمی‌شود. به همین دلیل جوانان

برای انطباق بیشتر با جهانی که هر روز به دلیل وجود وسایل ارتباط جمعی و حمل و نقل سریع، کوچک و کوچکتر می‌شود، غیردینی‌تر عمل می‌کنند و این مسأله بر روی بازتولید تمام نهادهای اجتماعی در سطح جامعه تأثیر می‌گذارد و آنها را رفته‌رفته غیردینی می‌کند.

ساختار اقتصادی کشور به دلیل ارتباط با اقتصاد فراگیر و دنیاگرایی جهانی، در حال غیردینی شدن است. با توجه به نتایج این تحقیق قابل پیش‌بینی است که غیردینی شدن کم کم به حوزه‌های دیگری مانند سیاست و فرهنگ نیز سرایت کند. هرچه جوانان امروز در انتخاب شیوه زندگی خود به دین، اهمیت کمتری دهند، نهاد دین - که در آینده در کنشهای اجتماعی این قشر عظیم و سرنوشت‌ساز جامعه بازتولید خواهد شد - با چهره امروزی خود تفاوت بیشتری خواهد داشت.

این مردم هستند که همه چیز را در جامعه می‌سازند و تغییر می‌دهند. ساختار جامعه به نوعی هویت مردم را نشان می‌دهد زیرا آنها آگاهانه یا ناآگاهانه، ساختهای اجتماعی را بازتولید می‌کنند. لذا می‌توان جامعه را یک فرافکنی عظیم از هویت افراد جامعه دانست. اگر بتوان چهره‌ای از دین نشان داد که برای زندگی امروزی کارا تر باشد و به سؤالات اساسی جوانان پاسخی درخور ارائه کند، شاید مذهب دوباره به کانون توجه جوانان باز گردد و مورد انتخاب آنان در میان شیوه‌های مختلفی که به آنها ارائه می‌شود نیز واقع شود.

منابع

- ۱- باستانی، محمدحسین. «بحران هویت، مسأله‌ای در ابعاد جهانی»، *نامه فرهنگ*، سال سوم، شماره ۱، ۱۳۷۳.
- ۲- پارسا، کی‌آرش. *بررسی تأثیر نوسازی بر معرفت دینی مردم ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز بخش جامعه‌شناسی، ۱۳۷۷.
- ۳- ترنر، جان‌اتان، اچ و ال، بیگلی. *پیدایش نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه دکتر عبدالعلی لهسایی‌زاده، انتشارات شیراز، چاپ اول، شیراز.
- ۴- توسلی، غلامعباس. *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۹.

- ۵- دواس، دی. ای. *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ ناییب، نشر نی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۶- دستغیب، فاطمه و آریتا خلقت. *تأثیر تعارض بین ارزشهای فرهنگی خانه و مدرسه بر هویت نوجوانان در شهر شیراز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، بخش جامعه‌شناسی، ۱۳۷۵.
- ۷- دیویس، وینستون. *جامعه‌شناسی دین، دین‌پژوهی*، ترجمه بهاء‌الدین خرماشاهی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵.
- ۸- صباغ‌پور، علی‌اصغر. *بررسی نگرشهای سیاسی مذهبی جوانان ذکور تهرانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۳.
- ۹- عبداللّهی، محمد. «هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران* (جلد اول)، ۱۳۷۱.
- ۱۰- کشاورز، امرالله. *بررسی جامعه‌شناختی میزان تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان، بر نگرشهای دینی آنها*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، بخش جامعه‌شناسی، ۱۳۷۹.
- ۱۱- گولدنر، الوین. *بحران جامعه‌شناسی غرب*، ترجمه فریده ممتاز، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۲- گیدنز، آنتونی. *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۳- گیدنز، آنتونی. *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۴- مجتهدزاده، پیروز. «ایران و ایرانی بودن در آستانه قرن بیست و یکم، جغرافیای سیاسی روند شکل‌گیری هویت ایرانی»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، سال چهاردهم، شماره سوم و چهارم، ۱۳۷۸.
- ۱۵- موس، رالف. *نظریه‌های بنیادی در مورد نوجوانی*، ترجمه ژ. آ. صدیقی، جمشید تهرانیان و فرهاد جمهوری، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۷.
- ۱۶- هملتون. ملکم. *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات تیان، تهران، ۱۳۷۷.

17 - Ashly and Orenstein (1995). *Sociological Theory, Classical Statments*, Massuchusett, Allyn and Baccon.

18 - Baizerman, H. & Magnuson, D. (1996). Do we still need youth as a social stage? *Young*, vol 4 , No.3

- 19 - Burke. P. (1991). Identity Processes and Social Stress *American Sociological Review*, Vol. 56.
- 20 - Cinnirella. M. (1997). Towards a European Identity? Interactions between the National and European Social Identity, Manifested by University Students in Britain and Italy. , *British Journal of Social Psychology* , Vol. 36.
- 21 - Crippen. T. (1988). Old and New Gods in the Modern World: Toward a Theory of Religious Transformation , *Social Forces*, Vol. 67.
- 22 - Frith, S.(1984). *The Sociology of Youth*, Ormsiciric & Cansway press, Ltd.
- 23 - Fugio, I. (1999). The Search for a Definition of Secularization: Toward a General Theory (working paper). *Institute for Japanese Culture and Classics*, Kokugakuin University, Japan.
- 24 - Jung, C. G. (1977). *The Symbolic Life* , translated by R. F. C. Hull London, Rutledge & Keygan Paul.
- 25 - Levitt. M. (1995). Sexual Identity and Religious Socialization *British Journal of Sociology*, Vol. 46.
- 26 - Line. N.(1978). Mac-Graw Hill, Inc, New York. *Foundation of Social Research*
- 27 - Turner J. H. (1998). *The Structure of Sociological Theory*, Sixth Edition, Wadsworth Publishing Company, New York .
- 28 - Weber. M. (1965). *Sociology of Religion* , Methuen, London.